

پیشگفتار

«رفتار سازمانی و روابط انسانی» در سازمان‌های آموزشی، بر چگونگی شکل‌گیری و تداوم رفتار مورد انتظار از نیروهای انسانی تمرکز دارد، و این موضوع با تأکید بر رفتار گروهی در محیط سازمان‌های آموزشی مطالعه می‌شود. به دلیل گستردگی مفاهیم و مؤلفه‌های قابل مطالعه در دو حوزه «رفتار سازمانی» و «روابط انسانی»، تدوین کتابی که در محدوده خود همه مفاهیم را با در نظر گرفتن دانش معتبر و مرتبط به هر مفهوم پوشش دهد، دشوار یا ناممکن است. به این دلیل لازم بود در سازماندهی این کتاب انتظارات و ویژگی‌های خواننده‌ای که برای نخستین بار با این شاخه‌های علم مدیریت آموزشی آشنا می‌شود در اولویت قرار بگیرد. در تنظیم محتوای کتاب کوشش شد تا ضمن ارائه مفاهیم کلیدی بر اساس یافته‌های علمی «معتبر» و «روزآمد» به وجه آموزشی آن یعنی کاربرد در سازمان‌های آموزشی توجه و تمرکز شود. توجه به جنبه‌های مرتبط با سازمان آموزشی از دوره دبستان تا دانشگاه، ویژگی متمایزکننده این کتاب با آثار زیادی است که «رفتار سازمانی» و «روابط انسانی» را به طور عام، برای مدیریت در همه سازمان‌ها معرفی می‌کنند. در اثری با عنوان *رفتار سازمانی و روابط انسانی در سازمان‌های آموزشی*، به طور ویژه باید تأکید بر محیطی باشد که روابط و رفتار در آن شکل می‌گیرد.

کتاب در سه بخش و نه فصل سازماندهی شده است. هدف در بخش نخست با عنوان «چیستی و زمینه» ارائه اطلاعات پایه درباره رفتار سازمانی و روابط انسانی و مرور اندیشه‌ها و نظریه‌های مرتبط است. این بخش بر مفاهیم کلیدی دو حوزه رفتار سازمانی و روابط انسانی استوار است. روابط انسانی مبنای تشکیل همه سازمان‌ها و رفتار سازمانی توصیف و تحلیل‌کننده رفتار انسانی در محیط سازمان‌های رسمی است. این دو حوزه درحالی که هم‌پوشانی زیادی دارند، اما دو شاخه مطالعاتی جدا به شمار می‌آیند. رفتار سازمانی و روابط انسانی در سازمان‌ها به دنبال هدف‌های مشترکی هستند، که برقراری تعادل و توازن اجتماعی از طریق ایجاد پویایی در سازمان و رضایت در افراد جزو آنهاست. در فصل اول تأکید شده است که روابط انسانی با کمک به بهبود پیوند بین افراد، سازمان و جامعه نقش اساسی در ایجاد

یگانگی اجتماعی دارد. در فصل دوم با مرور دیدگاه‌ها و نظریه‌های مرتبط، نظریه‌های رفتار سازمانی که برای سازمان‌های آموزشی کاربرد بیشتری دارند معرفی شده است.

بخش دوم بر محور «شکل‌گیری و پایداری رفتار فردی و جمعی» تنظیم شده و شامل چهار فصل با عنوان‌های «فرد در سازمان»، «انگیزش»، «مناسبات انسانی در سازمان آموزشی» و «گروه و مدیریت آن» است. دو فصل نخست این بخش بر محور دو موضوع کلیدی در رفتار سازمانی یعنی چگونگی شکل‌گیری رفتار فردی در سازمان و انگیزش نیروهای انسانی تنظیم شده است. شناخت دلایل بروز رفتار از سوی فرد به مدیران در تحلیل رفتار و هدایت آن به سوی هدف‌های سازمان کمک و زمینه متناسب ساختن هدف‌های فردی و سازمانی را فراهم می‌کند. در فصل‌های پنجم و ششم «مناسبات انسانی» و «مدیریت گروه» مورد توجه قرار گرفته است که بیش از همه در سازمان‌دهی رفتارهای جمعی و توسعه و بهبود روابط انسانی به کمک مدیران می‌آید.

در بخش سوم و پایانی کتاب با مفاهیم کلیدی درباره «هدایت رفتار» منابع انسانی سازمان‌های آموزشی آشنا می‌شوید. در مواقعی که به هر دلیل برخی رفتارها و گروه‌ها در سازمان شکل ناخواسته‌ای به خود گرفته‌اند هدایت رفتار به اصلاح و قرار گرفتن آن در مسیر مورد انتظار کمک می‌کند. آگاهی از روش‌های تغییر رفتار به مدیران اطمینان می‌دهد در صورت روبه‌رو شدن با کارکنانی که در حد انتظار عمل نمی‌کنند قادر خواهند بود که به اصلاح رفتار و بهبود عملکرد آنان بپردازند. در فصل هشتم برخی از مهم‌ترین مفاهیم رهبری آموزشی معرفی شده است. رهبری، جریان رو به رشد و امیدبخش نسبت به آینده مدیریت آموزشی است.

در فصل پایانی بار دیگر این اصل مورد تأکید قرار گرفته است که دانستن رفتار سازمانی و روابط انسانی بدون تمرکز بر محیطی که این موضوعات در آن بررسی می‌شود، رفتاری کم‌اثر و حتی خنثاست. میدانی که علم مدیریت و رهبری آموزشی در آن ظهور می‌کند و انتظار می‌رود که بر آن اثر بگذارد، آموزش یا فضای اجرایی شدن فرایند یاددهی-یادگیری است. در فصل نهم چالش‌های رفتار سازمانی و روابط انسانی در سازمان‌های آموزشی کشور ارائه و اولویت‌های اقدام برای کاستن از اثر آن‌ها پیشنهاد شده است. با توجه به اهمیت رهبری آموزشی در تحقق اولویت‌ها، فصل نهم با طرح مهم‌ترین صورت‌های انتقال از مدیریت به رهبری در سازمان آموزشی و تأکید بر اصلاح فرایندهای پژوهش در زمینه مدیریت آموزشی در کشور به پایان رسیده است. رویکرد تنظیم فصل پایانی کتاب، مراجعه به

داشته‌ها و ثروت فرهنگی و تمدنی خود و پرهیز از پیروی کورکورانه از اندیشه‌ها و کارهای دیگران در راهبری اثربخش سازمان‌های آموزشی است. در پایان باید از همکاری و مشارکت همکاران و دانشجویان خوب خود که با رفتار سنجیده و درست و نیز برقراری روابط بالنده و رشددهنده خویش، درس‌های زیادی به من آموختند سپاسگزاری کنم. در این میان سپاس ویژه خود را به خانم‌ها فائزه سلیمانی، نفیسه تقی‌زاده و دکتر الهام سلیمانی تقدیم می‌کنم که در جریان نگارش این اثر یاور من بودند. همچنین جا دارد صمیمانه مراتب سپاس خود را از اعضا و مدیر ارجمند گروه علوم تربیتی «سمت»، آقای دکتر غلامرضا شمس، و کارشناسان گرامی، به ویژه خانم لیلا شرف، به دلیل همراهی مؤثر در پیشرفت کار اعلام کنم.

محمدرضا آهنچیان

استاد دانشگاه فردوسی مشهد

دی‌ماه ۱۳۹۷